



ملاقات اشعیا با خدا

اشعیا ۱:۶ - ۸

مقدمه

مطمئنأً بچه‌ها لغت قدوس را در جمع خانواده و محیط کلیسا شنیده‌اند اما درک درستی از آن ندارند. در این قسمت می‌توانید به هر یک از بچه‌ها یک کاغذ سفید و یک کاغذ مشکی بدهید. لیستی از کارهای بد و کارهای خوب آماده کنید. از روی لیست به ترتیب بخوانید و از بچه‌ها بخواهید مثلاً اگر می‌گویند حسادت، همه کاغذهای سیاه‌شان را بالا ببرند. اگر می‌گویند بخشش کاغذ سفید را بالا ببرند (سعی کنید لغت‌هایی را به کار ببرید که برای بچه‌ها آشناست و بسته به گروه سنی بچه‌ها لغت‌ها را انتخاب کنید).

در ادامه از بچه‌ها بپرسید که معنای قدوس چیست؟

درس

از بچه‌ها بپرسید که نبی چه کسی است؟ (شاید بچه‌ها با اسم پیامبر بیشتر آشنا باشند). در ادامه توضیح دهید که اشعیا هم یک نبی بود. اشعیا یک روز یک رویا دید. در این قسمت یا از کتاب مقدس ساده‌ای از اشعیا ۶ روخوانی کنید و یا داستان را به زبان ساده برای بچه‌ها تعریف کنید.

در ادامه می‌توانید سؤالات زیر را از بچه‌ها بپرسید:

- ۱- اسم نبی داستان امروز چی بود؟
- ۲- خدا کجا نشسته بود؟
- ۳- دودها نشانه‌ی چه چیزی بودند؟
- ۴- فرشته‌ها چی می‌گفتند؟

هدف:

همه انسان‌ها گناه‌کارند و به نجات‌دهنده احتیاج دارند.

آیه حفظی:

رومیان ۳:۲۳
زیرا همه گناه کرده‌اند و به آن کمال مطلوب و پرجلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده‌اند.
(ترجمه تفسیری)

در ادامه سؤالات به بچه‌ها یادآوری کنید که فرشتگان مدام می‌گفتند "قدوس، قدوس، قدوس". خدا قدوس است. یعنی اینکه او از تمام کارهای بد به دور است، او هیچ وقت چیزی نذر دیده، هیچ وقت دروغ نگفته، هیچ وقت حسادت نکرده، هیچ وقت خودخواه و تنبل نبوده...

کاربرد

در این قسمت باز به سؤالی که در ابتدای درس پرسیده بودید رجوع کنید. به احتمال زیاد بچه‌ها در آن قسمت جواب داده بودند که نبی (پیامبر) هیچ وقت گناه نمی‌کند، خیلی پاک است و غیره. به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان دیدیم اشعیا هم نبی بود. شاید خودش و دیگران فکر می‌کردند که او مرد مقدسی است. اما دیدیم وقتی با خدای قدوس رو در رو شد فهمید که مرد پاکی نیست. هیچ کس در برابر خدا مقدس نیست. فقط خدا مقدس است و برای همین رفتن به حضور خدا و دیدن خدا کار راحتی نیست. اما خدا می‌خواهد که ما هم مقدس و پاک باشیم. او به ما وعده داده که اگر به عیسی ایمان بیاوریم او گناهان ما را پاک می‌کند و یک روز ما هم می‌توانیم مثل اشعیا به حضور خدا برویم و او را رو در رو ببینیم و با راحتی با او صحبت کنیم.

به بچه‌ها فرصت دهید چند دقیقه در سکوت در مورد این داستان بیشتر فکر کنند. اگر بخواهند می‌توانند کارهای بدی که هفته‌های گذشته انجام داده‌اند را بر روی کاغذ بنویسند. در ادامه با آنها دعا کنید.

کمک‌درسی

۱- بازی

اگر تعداد بچه‌های کلاس‌تان زیاد نیست می‌توانید همه با هم این بازی را انجام دهید. اما اگر تعداد بچه‌ها زیاد است آنها را به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم کنید.

به هر یک از گروه‌ها تعدادی پارچه و وسایل تزئینی بدهید. از بچه‌ها بخواهید یک نفر را به‌عنوان داوطلب انتخاب کنند. از بچه‌ها بخواهید در مورد آدم‌هایی فکر کنند که به‌ظاهر مقدس‌تر هستند، مثل کشیش‌هایی که لباس‌های مخصوص می‌پوشند یا آدم‌های مذهبی زمان عیسی. به بچه‌ها بگویید سه دقیقه فرصت دارند تا لباسی برای فرد داوطلب درست کنند.

به بچه‌ها توضیح دهید که قدوسیت ارتباطی به اینکه چه لباسی بپوشیم ندارد. قدوسیت به زندگی ما و آن چیزی که در درون ماست مربوط می‌شود.

۲- بازی

در حالی که بچه‌ها در اتاق پخش هستند وقتی می‌شنوند که شما می‌گویید زرد (یا جلال خدا) باید در حالی که ایستاده‌اند دستان‌شان را رو به آسمان بالا ببرند. وقتی می‌گویید سفید (فرشتگان) باید بال‌بال بزنند و وقتی می‌گویید خاکستری (دود) باید زانو بزنند و دعا کنند. این بازی را چندین بار تکرار کنید. افرادی که حرکت‌ها را اشتباه انجام بدهند از بازی بیرون می‌روند.